



## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۴ دی ۱۴۰۳

موضوع جزئی: آیه ۵۸ و ۵۹ - بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸ - بخش پنجم: «غفر لکم خطایکم و سنزید المحسنین» - مصادف با: ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۴۶

جلسه: ۱۸

مطلب چهارم: تفاوت خطیئة و الفاظ مشابه آن - ۳. ذنب - ۴. معصیت - ۵. سیئه -

معنای خطایا در آیه

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

یک فاصله طولانی بین آخرین جلسه درس تفسیر پیش آمد؛ اتفاقاً موضوع سخن همین سؤالی بود که جنابعالی مطرح کرده بودید که فرق بین واژه‌های خطیئة، اثم، ذنب، سیئه و معصیت چیست. به تعطیلی ایام فاطمیه برخورد کردیم و یک هفته هم به خاطر مشکل بیماری من نتوانستم بیایم؛ یک هفته هم به خاطر تعطیلی‌ها مقدور نبود.

از این پنج واژه، ما درباره خطیئه و اثم توضیحات اجمالی داریم؛ وجه ورود به این بحث هم پرسشی بود که اینجا مطرح شد بنابر پرداخت اجمالی به این دو سه واژه. معنای اثم و خطیئه اجمالاً گفته شد.

### ۳. ذنب

اصل واژه «ذنب» از ذنب به معنای دم و دنباله حیوان است. اگر بر گناه اطلاق می‌شود، بدین جهت است که گناه (حالا یا در قالب جنایت یا ظلم) دنباله و آثاری دارد، هم عقوبت دنیوی و هم عقوبت اخروی؛ حتی ممکن است انتقام مجنی علیه یا مظلوم را هم به دنبال داشته باشد. یعنی غیر از مجازات‌های دنیوی و قراردادی و مجازات اخروی، این اثر را هم دارد که مجنی علیه یا مظلوم، عکس‌العملی نسبت به این شخص داشته باشد و طبیعتاً این به عنوان دنباله و اثر آن عمل و گفتار و رفتار تلقی می‌شود. طبیعتاً اگر به نافرمانی و تخطی از دستور الهی، ترک واجب، فعل حرام، ذنب اطلاق می‌شود، از این منظر قابل توجه است.

### ۴. معصیت

معصیت به معنای نافرمانی و تمرد است؛ اصل این کلمه از عصیان و به معنای چوب است. عصیان در مقابل طاعت، به معنای نافرمانی است. شاید کناره‌گیری و جدا شدن از دیگران هم اگر با کلمه عصا یا شق العصا یا شق عصای جمعیت و اجتماع و مسلمین به کار می‌رود، از این بابت است که از جمعیت جدا می‌شود، مثل اینکه کسی با عصا جلوی کسی را بگیرد و باعث جدایی او از دیگران شود.

### ۵. سیئه

سیئه هم از ریشه سوء یا سَوء و جمع آن سیئات، به معنای هر چیزی است که بدی در آن وجود دارد، هر چیزی که متصف به وصف بدی و زشتی است. این لغت که به ضم سین و فتح سین (سوء یا سَوء)، استعمال شده در قرآن به کار رفته است؛ البته استعمال سوء بسیار بیشتر از استعمال سَوء است. شاید حدود ۵۰ بار کلمه سوء استعمال شده، اما سَوء حدود ۹ یا ۱۰ بار در قرآن ذکر شده است. بعضی از لغویین مثل صحاح و قاموس و اقرب، سوء را اسم و سَوء را مصدر می‌دانند؛ البته برخی هم با این مخالف هستند؛ بحث‌هایی هم در مورد معنای متعدی و لازم آن ذکر شده است؛ مفردات راغب برای سوء یک معنای فاعلی قائل شده، یعنی هر چیزی که اندوه‌آور است. اگر کسی نسبت به دیگری یک کار ناپسند کند و باعث حزن او شود، می‌گویند ساءه؛ لذا اگر به ضم سین باشد همان معنای اسمی و فاعلی را دارد. در قرآن استعمالات این دو و اینکه در چه مواردی به ضم

سین آمده و در چه مواردی با فتح، و آیا اگر معنای اسمی داشته باشد همه جا این معنای فاعلی دارد، بحث‌های زیادی در اینجا درباره آن صورت گرفته است.

### معنای خطیئه در آیه

اما آنچه که اینجا مدنظر است، این است که ضمن اینکه تفاوت‌هایی بین این لغات یعنی ذنب، اثم، عصیان، سیئه و خطیئه وجود دارد، ... «نَغْفِرُ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»؛ در مورد خطا این سؤال مطرح شد که خطا و خطیئه به چه معناست و به دنبال آن، سخن از تفاوت لفظ خطا و خطیئه که در این آیه به کار رفته، با آن چند واژه دیگر یعنی اثم، ذنب، عصیان و سیئه. ضمن اینکه همه این پنج واژه بر گناه، خطا، امر زشت و ناپسند استعمال می‌شود اما با همدیگر تفاوت‌هایی هم دارند؛ یعنی در یک جاهایی تعبیر به اثم شده، یک جایی تعبیر به ذنب شده، یک جایی تعبیر به سیئه شده، اینها همه متفاوت است. اینجا کلمه «خطایاکم» به کار رفته؛ ما گفتیم خطا سه قسم دارد:

۱. یکی اینکه یک کاری را از روی عمد و بی‌اعتنایی انجام بدهد؛ این یک خطایی است که مسئولیت‌آور است و نسبت به آن بازخواست صورت می‌گیرد. مثل آیه ۳۱ سوره اسراء: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»؛ این آیه مربوط به مشرکان و کسانی است که فرزندان خودشان را با قصد و اراده می‌کشتند. اینجا ضمن اینکه قصد و اراده در این کار وجود داشت، اما در عین حال یک عمل ناشایست، ناپسند و در عین حال مسئولیت‌آور بود. اینجا به معنای عمل ناشایست و ناپسند است.

سؤال:

استاد: علی‌الظاهر مربوط به مشرکان بوده که این کار را می‌کردند ... این آیه در مورد آنها بود؛ اینکه از این آیه استفاده دیگری هم می‌شود کرد یا نه، این بحث دیگری است؛ این آیه مربوط به مشرکان بوده است.

۲. معنای دوم برای خطا این است که اینها یک کاری را انجام می‌دهند اما فی‌نفسه آن کار با قصد این عمل واقع نشده و ناشایست نیست. قصد سوء نیست بلکه نتیجه آن سوء و ناشایست است. مثل آیه ۵ سوره احزاب: «وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ اینجا در واقع می‌خواسته یک کار دیگری را انجام بدهد، مثلاً می‌خواسته یک حیوانی را شکار کند اما یک انسان مورد اصابت قرار گرفته و از بین رفته است. پس یک معنا این است که یک کار خوب را اراده کند اما خلاف آن واقع شود.

۳. در عکس معنای دوم هم عنوان خطا صدق می‌کند؛ یک کار خلاف را اراده کند اما تصادفاً یک کار خوب از آب درآید. به عبارت دیگر حُسن فعلی دارد اما حُسن فاعلی ندارد.

به هر حال آنچه اینجا بر آن به عنوان «خطایاکم» تأکید شده و خداوند می‌فرماید ما خطایای شما را می‌بخشیم با این مقدمات، این در واقع خطا، به معنای اول است؛ یعنی کارهای ناشایستی که بنی‌اسرائیل از روی عمد انجام دادند؛ همه کارهایی که آنها انجام دادند، از این قبیل بوده؛ نه از قبیل دومی بوده و نه از قبیل سومی.

### بحث جلسه آینده

حالا چرا تعبیر اثم و ذنب و معصیت به کار نرفته و به جای آنها این واژه را به کار برده، این نکته‌ای دارد که در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»